

مهریه و حقوق اقتصادی و اجتماعی زن



بزرگترین دلیل غیرمنطقی مهریه، تاکید مفرط بر مهریه به عنوان ارزش زن است. مهریه به عنوان تنها تکیه‌گاه زن ایرانی به عنوان تضمین آینده تلقی می‌شود و به تدریج این سیستم قیمت‌گذاری روی زن که فی نفسه اهانت به ذات انسانی اوست، علاوه بر یک سلاح به یک ابزار ارزشی برای خود زنان مبدل شده است! هر چه میزان مهریه دختری بالا باشد، تفاخر او بیشتر است ولی حقیقت امر این است که همه می‌دانیم نه میزان مهریه بالا به طور مطلق موجب ثبات زندگی

می‌شود و نه موجب ارزش و اعتبار زن نزد همسر وی خواهد شد. از طرفی با توجه به قوانین موجود دلایل منطقی هم وجود دارد. از آنجایی که در قوانین زوج می‌تواند مانع کار، تحصیل، خروج از کشور و حتی خروج از منزل زوجه باشد و علاوه بر این، حق نگهداری فرزندان بعد از ۷ سالگی و حق جدایی را دارد، در حالی که زوجه (که معمولاً فقط خانداندار است) از همه این ابزارها محروم است و به سادگی حق جدایی و رهایی ندارد، در چنین شرایطی مهریه تنها ابزار موجود است که می‌تواند تا حدی جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی طرف دیگر را بگیرد و به وسیله این ابزار موافقت او را برای جدایی یا کسب حضانت فرزندان به دست آورد.

بزرگترین دلیل غیرمنطقی مهریه، تاکید مفرط بر مهریه به عنوان ارزش زن است

مهریه و حقوق اقتصادی

زوج می‌تواند مانع کار زوجه خود شود و بخواهد زوجه فقط خانداندار باشد. عدم مسؤلیت زن در قبال مسائل اقتصادی خانواده با توجه به قوانین، عرف و سنت حاکم بر ایران در ازدواج دائم خواه ناخواه باید عهده‌دار مخارج روزانه و لباس و مسکن و احتیاجات دیگر زن از قبیل دارو و طبیب بشود و زن باید مرد را به عنوان رئیس خانواده بپذیرد (قانون مدنی ایران ماده ۱۱۰۵ در رابطه زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است) و امر او را در حدود مصالح خانواده اطاعت کند در

قانون مدنی ماده ۱۱۱۷ آمده است: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند، در مقابل احترام و اطاعت همسر و فرزندان، پدر متعهد می‌شود از آنان حمایت کرده و احتیاجات مادی و اجتماعی و روحی آنان را برآورده کند. زوج می‌تواند مانع کار زوج خود شود و زوج فقط خانداندار باشد. با توجه به این دیدگاه، کار در خانه برای زن و کار در بیرون از خانه برای مرد نوعی تقسیم کار است ولی از طرفی معمولاً اموال و مواهب مالی زندگی به نام و متعلق به مرد است و مرد به دلیل اینکه فعالیت اقتصادی را بیش از زن به عهده دارد خود را صاحب همه مواهب مادی خانواده تلقی می‌کند پس با توجه به قوانین و موارد فوق، مهریه باید طوری در نظر گرفته شود که جبران‌کننده منافات برای زن باشد و به نوعی پشتوانه وثیقه ازدواج قرار گیرد و در صورت جدایی، منبع تامین‌کننده مالی آتیه زوج باشد. در شروط ضمن عقد، بندی است که طبق آن اموالی که بعد از ازدواج به دست آمده باشد به هنگام جدایی به نسبت مساوی بین زن و شوهر تقسیم خواهد شد، با استفاده از این بند کمتر زنی نگران حقوق اقتصادی خود بعد از طلاق باشد ولی به دلیل شفاف نبودن فعالیت اقتصادی در ایران، حتی این بند هم بدون توجه به شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی کارساز نخواهد بود ولی اگر شفاف‌سازی مسائل اقتصادی محقق شود با استفاده از شرط فوق، دیگر عملاً حقوق اقتصادی زوجین تامین می‌شود و نیاز نیست که مهریه منبع تامین‌کننده مالی آتیه زوج باشد.

مهریه و حقوق اجتماعی

حق طلاق انحصاراً برای زوج (قانون مدنی ماده ۱۱۳۳: مرد هر زمان که بخواهد می‌تواند زنش را طلاق دهد) یکی از علل بالا بودن میزان مهریه، پیچیده‌تر شدن جامعه و عدم امکان شناخت کافی زن و مرد از یکدیگر است. لازمه تسهیل نکاح در جامعه پیچیده کنونی، این است که چنانچه پس از عقد، هر یک از طرفین متوجه شد که اشتباه کرده یا فریب خورده است و امکان سازش با وضعیت جدید را ندارد به راحتی بتواند عقد را منحل ساخته و خود را رها کند، در حالی که زوج به راحتی از نکاح برخوردار است، موارد درخواست جدایی برای زوج محدود و مشخص است. نکته قابل تامل اینکه همین موارد محدود غالباً با تفسیرهای مضیق سنتی و مردسالارانه، محدودتر و مضیق‌تر می‌شود.

در اینجا مهریه حربه‌ای است که با آن می‌توان زوج را که انحصاراً حق طلاق دارد، وادار به موافقت با جدایی کند. به نظر می‌رسد بهتر است به شروط ضمن عقد مندرج در سندهای ازدواج فعلی، شرط ضمن عقد زیر (مندرج در کتاب صحیفه نور، جلد ۱۰، صفحه ۷۸، امام خمینی (ره)) اضافه شود. برای زنان محترم شارع مقدس راه سهل معین فرموده است تا خودشان زمام طلاق را به دست گیرند، به این معنی که در ضمن عقد نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق به صورت مطلق، یعنی هر موقعی که دلشان خواست طلاق بگیرند یا به صورت مشروط، یعنی اگر مرد بد رفتاری کرد یا مثلاً زن دیگری گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد. دیگر هیچ اشکالی برای خانم‌ها پیش نمی‌آید و می‌توانند خود را طلاق دهند. پس اگر شرط فوق جزو شرایط ضمن عقد باشد دیگر دلیل فوق برای وجود مهریه سنگین منتفی خواهد بود. البته از نگاه برخی دیگر از اهل خبره، این وکالت ایقاعیه بوده و دارای قابلیت باز پس‌گیری از سوی مرد است.

نداسادات پاکنهاد